

## آهن بودن وسیله ذبح نظری بر موضوع‌شناسی عنوان حدید

اکبر ساجدی<sup>۱</sup>. میر جعفر طباطبایی چهار برج<sup>۲</sup>. میر محسن عرفانی راد<sup>۳\*</sup>  
۱. عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت  
و دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران

Sajedia@tbzmed.ac.ir

۲. عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت  
و عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران

Tabatabaeim@tbzmed.ac.ir

۳. نویسنده مسئول و عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران  
Mohsenerfanirad@gmail.com

### چکیده

حیلت گوشت مصرفی انسان در شرع اسلام تابع ضوابط و قوانینی است که فقهاء عمدتاً در کتاب‌های فقهی آن‌ها را تحت عنوان شرایط ذبح ذکر کرده‌اند. یکی از شرایطی که به اجماع فقهاء و روایات معصومان (ع) مستند است، آهن بودن وسیله ذبح است. البته ترجمه حدید به آهن خود موضوع دقیقی است که می‌تواند به عنوان موضوع‌شناسی حدید از آن یاد نمود. در این مقاله نویسنده‌گان با مراجعه به کتب فقهی ابتدا خلاصه‌ای از سیر تاریخی اقوال و نظرات فقهاء را درباره موضوعیت حدید در حیلت ذیبحه ذکر نموده، ادله اعتبار آن را مورد نقد و بررسی قرار داده و آخر سر با معرفی نوآوری فقیه فقید آیت الله هاشمی شاهرودی در این زمینه شرطیت آهن را در حیلت ذیبحه نفی نموده و قول به این که حدید به معنای تیز و برنده است را تقویت نموده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** شرایط ذبح، آلت ذبح، آهن، حدید، تیز و برنده، آیت الله هاشمی شاهرودی.

**مقدمه**

در فقه اسلامی برای حلیت ذبیحه شرایطی وضع شده است که می‌توان به مواردی نظری مسلمان بودن ذابح، ذکر نام خدا هنگام ذبح، رو به قبله بودن ذبیحه و اعتبار حدید در آلت ذبح اشاره کرد. این موضوع امروزه تحت الشاعع بسیاری از تحولات صنعتی قرار گرفته است. پیشرفت علم و فن آوری در زمینه صنایع ذبح و کشتار حیوان و تبدیل رویکرد ذبح سنتی به صنعتی از یک سو و تولید انبوه انواع و اقسام گوناگون وسایل ذبح به ویژه نوع فلزی که در تیغه برش و یا چاقو به کار می‌رود از سویی دیگر، افق نوینی برای این گونه مباحث ترسیم می‌کند.

با بکارگیری دستگاه‌هایی برای ذبح، خصوصاً در ذبح مرغ، چند مساله جدید مطرح می‌شود. اولاً آیا در ذبح با دستگاه استناد ذبح به ذبح مسلمان محرز است؟ ثانياً بحث قبله چگونه تحقق خواهد یافت؟ ثالثاً نام خدا را چه کسی و چه موقع بر ذبیحه جاری خواهد کرد؟ رابعاً تیغه دستگاه باید از چه نوع فلزی باشد؟ البته بحث از آلت ذبح اختصاصی به ذبح با دستگاه ندارد، چون در ذبح عادی نیز این سخن مطرح است، اما آن چه طرح این بحث را ضروری می‌نماید، بکارگیری وسایل غیر آهن در چاقوهای متدالو است. امروزه به خاطر بسیاری از مسائل من جمله رعایت تمیزی و بهداشت، تولید کنندگان و مصرف کنندگان بیشتر به چاقوهای استیل راغب هستند. با این وجود پرسش اساسی مقاله حاضر موضوع‌شناسی عنوان حدید خواهد بود.

در این مقاله نویسنده‌گان سعی نموده‌اند اشتراط و موضوع‌شناسی حدید را از منظر فقه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

**پیشینه پژوهش**

توجه به جنس وسیله ذبح و ارائه تحقیق مستقل درباره آن به عصور حاضر برمی‌گردد. غالب تحقیقات فقهی در این زمینه به صورت غیرمستقل و در ضمن کتاب‌های فقهی فقه‌ها مطرح شده که در بخش آنی ذکر خواهد شد. اما آن چه مستقل‌به این موضوع نگاه کرده است، عمدتاً چند تحقیق محدود است که به ذکر نام و اهم نتایج آن‌ها اشاره می‌شود:

**الف. ذبح با دستگاه‌های پیشرفته و جدید**

در این مقاله مطلب متنوعی درباره ذبح با دستگاه مطرح شده که می‌توان آن‌ها را نوآوری‌های فقهی آیت الله هاشمی شاهرودی قلمداد نمود. وی معنای خاصی از عنوان حدید ارائه نموده و ضمن نفی موضوعیت آهن در حلیت ذبیحه، آن را به معنای شیء تیز و برندۀ دانسته است. (هاشمی شاهرودی، ذبح با دستگاه‌های

پیشرفته و جدید، ص ۴۳ - ۱۱۰)

### ب. جنس و سیله ذبح

مقاله همچنان که از نامش پیداست به خصوص مسئله جنس و سیله ذبح پرداخته و آخرسر ضمن استفاده از نظریه آیت الله هاشمی شاهرودی، آن را ناتمام دانسته و نظریه دیگری را مطرح کرده است. حاصل تحقیق نویسنده مزبور چنین است: آهن بودن به اجماع فقهاء در حیث ذبحه موضوعیت دارد. آیت الله هاشمی شاهرودی برخلاف این اجماع با توصل به قرائت و ادلای موضوعیت آهن را زیر سوال برد و مطلق شیء تیز را مصدق حديد دانسته است. نویسنده مقاوله نیز با ذکر قرائت و ادلای عمدتاً لغوی قید ادوات مخصوص به قطع را در کنار تیزی افزوده است. (رشیدی، جنس و سیله ذبح، ص ۷۱ - ۸۹)

### ج. تناسب میان حکم و موضوع با رویکردی به کارکرد ابزاری عرف

این مقاله هر چند در خصوص سیله ذبح و جنس آن نیست، ولی به صورت استطرادی موضوعیت آهن در حیث ذبحه را با استفاده از عبارات اندیشمند معاصر محمد جواد مغنية مورد نقد قرار داده است:

در برآر ابزار ذبح در روایتی از معصوم (ع) آمده است؛ «لا ذکاة الا بحدیدة؛ حیوان، ذبح شرعی نمی شود، مگر با آهن» به واسطه این روایت که کلمه آهن در آن آمده است، فقهاء ما ذبح شرعی حیوان را تنها با آلت بُرنده آهین جایز شمرده اند و ذبح با وسایل و آلاتی که از جنس آهن نباشد، و لو بسیار تیز و برقنده باشد، ذبح شرعی نمی دانند. لذا کشن با وسایل تیزی که از جنس روی، مس، سرب و حتی شیشه یا هر جنس دیگر باشد، شرعی نخواهد بود حتی در مورد استیل نیز پاره‌ای از فقهاء زمانی به جواز آن حکم کرده‌اند که آن را از آهن دانسته اند. در اینجا نباید تنها به ظاهر سخن شارع اکتفا کرد و تنها به کلمه حديد توجه کرد و مراد واقعی شارع را همان دانست. باید دقت کرد، شارع در چه عصری می‌زیسته است؟ ویژگی‌های اقتصادی، معیشتی و اجتماعی عصر او چه بوده است که بسان قرینه لفظیه و حالیه سخن او را تفسیر کنیم و آنگاه به مراد حقیقی او بپیریم. شارع در عصری زندگی می‌کرده است که در آن عصر هیچ وسیله تیزی جز آهن، گاه سنگ یا شیشه پیدا نمی‌شده است، این وسایل پیش از آنکه حیوان را بکشد، او را خفه می‌کرده است؛ در چنین شرایطی شارع گفته است: تذکیه انجام نمی‌شود مگر با آهن، و لفظ آهن را شارع در حقیقت برای تعیین مصدق به کار برد است، و ما وقتی به آن عصر نگاه می‌کنیم در می‌باییم که تنها وسایل تیز و برقنده آن زمان، آهن بوده است. (مغنية، فقه الامام الصادق، ج ۴، ص ۳۵۵) و (دهقان و همکاران، تناسب میان حکم و موضوع با رویکردی به کارکرد ابزاری عرف، ص ۹۶ - ۹۷)

### گذری بر دیدگاه فقهاء در موضوعیت حديد

در فقه شیعه اتفاق و اجماع وجود دارد که لازم است در زمان اختیار، از حديد برای ذبح استفاده نمود. ذکر تک تک اقوال علاوه بر این که فایده‌ای ندارد، موجب اطباب کلام خواهد بود، از این رو فقط به ذکر نام برخی از فقهایی که مساله را عنوان نموده‌اند بسنده می‌شود تا اجماعی بودن آن محجز گردد: فقهاء مزبور

به ترتیب تاریخ وفات اعبارت‌اند از: شیخ طوسی (نهايه، ص۵۸۳)، قاضی بن براج (المهدب، ج۲، ص۴۳۹)، ابن ادریس (السرائر، ج۳، ص۱۰۷)، محقق حلی (مختصر النافع، ص۲۴۱)، فاضل آبی (کشف الرموز، ج۲، ص۳۵)، علامه حلی (شرايع، ج۴، ص۷۳۹)، همو (قواعد الاحکام، ج۳، ص۳۲۰)، همو (مختلف الشیعه، ج۸، ص۲۵۸)، همو (ارشاد الاذهان، ج۲، ص۱۰۷)، ابن العلامه (ایضاح الفوائد، ج۴، ص۱۳۴)، شهید اول (الدروس، ج۲، ص۴۱)، همو (اللمعه، ص۲۱۴)، ابن فهد حلی (المهدب البارع، ج۴، ص۱۶۳)، شهید ثانی (شرح اللمعه، ج۷، ص۲۱۲)، همو (مسالك الافهام، ج۱۱، ص۴۷۰)، مقدس اردبیلی (مجمع الفائده و البرهان، ج۱۱، ص۹۰)، فاضل هندی (کشف اللثام، ج۲، ص۲۵۸)، سید علی طباطبائی (ریاض المسائل، ج۲، ص۲۷۲)، محقق نراقی (مستند الشیعه، ج۱۵، ص۳۹۴) و سید خوانساری (جامع المدارک، ج۵، ص۱۱۳).

### مروی بر ادله موضوعیت حدید

مرحوم شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه بای را با عنوان باز کرده است: «باب انه لا يجوز التذکر بغير الحدید من لیطة او عود او حجر او قصبة او نحوها في حال الاختیار»، (وسائل الشیعه ج ۲۴ ص ۷). وی بعد از ذکر عنوان چند روایت را از کتب روایی نقل نموده که روایات مزبور ذکر می‌شود:

#### الف. روایت محمد بن مسلم

**مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلَيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَمْرَ بْنِ أَذِيَّةَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرَ عَنِ الدَّيْنِيَّةِ بِاللَّيْلِ وَ بِالْمَرْوَةِ فَقَالَ لَمْ ذَكَرَ إِلَّا بِحَدِيدٍ.** (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۷)

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد حیوانی که با پوسته نی یا نیزه و یا با سنگ ذبح شده، پرسش کردم، حضرت پاسخ داد: حیوان فقط با حدید پاک و حلال می‌شود.

#### ب. روایت حلی

**وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادَ عَنِ الْحَلَّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ ذِيَّةِ الْعُودِ وَالْحَجَرِ وَالْقَصْبَةِ فَقَالَ: قَالَ عَلَىٰ عَ لَا يَصْلَحُ إِلَّا بِالْحَدِيدِ.** (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۷)

۱. تاریخ وفات: شیخ طوسی (۴۶۰)، قاضی بن براج (۴۸۱)، ابن ادریس (۵۹۸)، محقق حلی (۶۷۶)، علامه حلی (۷۲۶)، ابن العلامه (۷۷۰)، شهید اول (۷۸۶)، ابن فهد حلی (۸۲۱)، شهید ثانی (۹۶۶)، مقدس اردبیلی (۹۹۲)، فاضل هندی (۱۱۳۷)، سید علی طباطبائی (۱۲۳۱)، محقق نراقی (۱۲۴۲)، سید خوانساری (۱۴۰۵) رضوان الله تعالیٰ علیهم اجمعین.

حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد حیوانی که با شاخه بریده شده درخت و یا سنگ و یا بانی سرش بریده شده، پرسش کردم و حضرت فرمود: امام علی علیه السلام فرمودند: صلاحیت برای ذبح را غیر حدید دارانیست.

#### ج. روایت ابوبکر خضرمی

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَى بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَنَّهُ قَالَ: لَا يُؤْكِلُ مَا لَمْ يُذْبَحْ بِحَدِيدٍ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۸) ابوبکر خضرمی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: گوشت حیوانی که با غیر حدید ذبح شده، قابل خوردن نیست.

#### د. روایت سماعه بن مهران

وَعَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابَنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَثَمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مُهْرَانَ قَالَ: سَأَلَهُ عَنِ الدَّكَّاءَ فَقَالَ لَا تُذَكِّرْ إِلَّا بِحَدِيدَةٍ تَهَيَّءْ عَنْ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۸) سماعه بن مهران گوید: از حضرت در مورد شرایط ذبح پرسیدم، پس چنین پاسخ داد: حیوان حلال نمی شود مگر با حدید؛ چرا که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از آن نهی فرموده است. البته در مقابل این روایات روایات دیگری وجود دارد که در صورت اضطرار یا عدم دسترسی به حدید غیر حدید را تجویز نموده اند. اما در دسته اول روایات تصریح شده است که لازم است وسیله ذبح حتماً حدید بوده باشد و در صورت اضطرار؛ مثلاً در صورتی که اگر ذایح به دنبال حدید باشد، ذیحه تلف خواهد شد غیر حدید تجویز شده است. البته بحث حاضر در صورت اختیار است که در آن اختلافی میان علمای نیست؛ گرچه در صورت اضطراراً اختلافی وجود دارد که مقاله حاضر به آن متعرض نمی شود. (ر. ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۸)

#### برداشت فقهاء از عنوان حدید

تمامی فقهای پیشین که در این باب نظر داده اند از عنوان «الحدید» همان فلز معروف (آهن) را استفاده کرده اند و هیچ یک از ایشان بحث موضوعی نکرده که حدید و آهن چیست و چه ویژگی هایی دارد؟ یعنی حتی در مورد آهن که نظرشان منحصراً متوجه آن بوده است، کسی پرسشی مطرح نکرده که آهن چیست و در این مورد تحقیقی انجام نشده است. همچنین در مورد این که منظور از حدید چیست هم هیچ سوال و پرسشی توسط کسی مطرح نگردیده است؛ چرا که رایج ترین شیئی که بتوان عمل برش را در زمان های پیشین انجام داد همان چاقوی آهنی بوده است، و چون چیز دیگر کنار آهن مثل استیل و غیره مطرح نبوده لذا آهن بودن آلت ذبح به عنوان امر مسلمی انگاشته شده است.

### آهن چیست؟

آهن فلز معروفی است که بشر سال‌های سال به آن دسترسی پیدا کرده است و در بسیاری از امورش از آن بهره می‌گرفته است، طوری که یکی از عصرهای زندگی بشر با نام عصر آهن نامیده شده است. با این حال امروزه از آن جا که صنعت پیشرفت عظیمی داشته است، آهن نیز دستخوش تغییرات و تحولاتی واقع شده است که نمونه آن استیل می‌باشد. به هر حال بریان دویترام<sup>۱</sup> و جورج بتل<sup>۲</sup> در فرهنگ واژگان ضروری جهان علم می‌نویستند:

آهن عنصری فلزی و نقره‌ای رنگ می‌باشد که از نظر اقتصادی مهم است. (دویترام و بتل، فرهنگ واژگان ضروری جهان علم، ص ۱۱۲، ماده: iron).

آن چه جای تامل دارد این است که آیا زنگ زدن جزو ویژگی‌های آهن می‌باشد یا نه؟ این سوال را باید از عرف پرسید. یعنی اگر در آهن دستکاری کردیم که خصوصیت زنگ زدگی را از آن سلب نمودیم، آیا عرف باز به آن آهن می‌گوید؟ بر فرض هم عرف به آن آهن اطلاق کن، آیا اطلاق عرف مساله را حل می‌نماید؟ چرا که عرف زمانی حجت است که به زمان ائمه معصومین علیهم السلام متصل باشد، و یقیناً در آن زمان‌ها چنین آهنهای وجود نداشته که بتوان مساله را با عرف حل کرد. پس مساله عرف سالبه به انتفاعی موضوع است.

نتیجه آن که اگر در اطلاق آهن بر آهن‌های امروزی شک نمودیم باید اصالت احتیاط را جاری کنیم نه اصالت برائت را؛ چرا که اصل اعتبار آهن امر مسلمی است و اگر در آهن تغییراتی حاصل شد، قدر متنفس جواز آهن‌های قبلی است و آهن‌های امروزی مشکوک است، به عرف هم در تشخیص موضوع نمی‌شود مراجعه کرد؛ چون گفته عرف در اموری می‌تواند مبین باشد که به زمان امامان علیهم السلام متصل باشد.

### استیل چیست؟

استیل یا همان فولاد فلزی است که از ترکیب چند عنصر باهم به وجود آمده است. در فرهنگ واژگان ضروری جهان علم چنین آمده است:

آلیاژی که بخش عمده آن را آهن و مقدار کمی کربن و گاه عناصر دیگری مانند منگز، سیلیوم، کروم، مولیبدن و نیکل تشکیل می‌دهد. فولادی که بیش از ۱۱ درصد کروم داشته باشد، فولاد ضد زنگ. (دویترام و بتل، فرهنگ واژگان ضروری جهان علم، ص ۱۹۷، ماده: Steel).

با این توضیحات معلوم می‌شود که که استیل آهن خالص نیست، طوری که اگر کروم بکار رفته در آن کمتر از ۱۱ درصد باشد، استیل است، ولی حالت زنگ زدگی را هم دارد. ولی اگر کروم بکار رفته آن بیش از ۱۱ درصد باشد باز استیل است و ضد زنگ هم می‌باشد.

1. Brian Deutrom.

2. George Bethell.

### آیا این مسئلله از مسائل مستحدثه می باشد؟

از آن جایی که امروزه آلیاز آهن دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته و فلزاتی با نام استیل درست شده است، سوالی مطرح می شود که آیا استیل آهن است یا نه؟

با توجه به این که در زمان های قبل، به ویژه زمان صادقین علیهم السلام چنین چیزی مطرح نبوده، یقیناً مسئله استیل از مسائل مستحدثه خواهد بود.

آن چه از روایات و کلام علمای پیشین استفاده می شود این است که در زمان گذشته اگر چه که انسان به سایر فلزات از قبیل مس، طلا، نقره دسترسی داشته، اما برای ساختن وسیله برنده و چاقو فقط و فقط از آهن استفاده می کرده است.

شاهد بر این مducta روایتی است که راوی در مورد کسی از امام پرسش می کند که چاقو ندارد و از امام می پرسد آیا با غیر چاقو مثل نی می توان ذبح نمود؟ و امام علیه السلام هم در پاسخ می فرماید: اگر نزد او آهن نباشد اشکالی ندارد. روایت مذبور چنین است:

الْحَسْنُ بْنُ مَحْمُوبَ عَنْ زَيْدِ الْشَّحَّامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ الْسَّلَامَ عَنْ رَجْلٍ لَمْ يَكُنْ يَضْرِبَهُ سَكِينٌ أَوْ فَيَذْبَحُ بِعَصْبَةٍ قَالَ فَقَالَ «إِذْبِحْ بِالْحَجَرِ وَبِالْعَظْمِ وَالْعَصْبَةِ وَالْعَوْدِ إِذَا لَمْ تُصْبِطِ الْحَدِيدَ إِذَا أَطْلَعْ الْحَلْفُومَ وَخَرَجَ الْلَّدَمَ فَلَا يَبْأَسُ». (شیخ طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۹ ص ۵۱)

شاهد دیگر کلامی است از مرحوم مقدس اردبیلی است. وی در شمار ادلہ اعتبار حدید می فرماید: ... و العاده و العرف فان العرف لا يفهم من الذبح والنصر الا بالحدید مثل السکین و نحوه الذي جرت العادة بالذبح والنصر به، وهو ظاهر. (مجمع الفائد و البرهان، ج ۱۱، ص ۹۱)

از جمله ادلہ بحث یکی هم عرف و عادت می باشد؛ چرا که عرف از واژه ذبح و نحر معنایی جز بریدن با آهن و چاقو یا امثال آن به ذهنش خطور نمی کند.

### اجماعی بودن اعتبار حدید

خاطر نشان کردیم که مسائل اتفاقی است و حتی فقهایی که امروزه استیل را هم به عنوان آلت ذبح پذیرفته اند، از حیث حکمی با علمای سلف اختلاف ندارند و تنها در موضوع حدید به توسعه قائل هستند. پس اعتبار حدید در آلت ذبح میان متقدمین و متاخرین امر مسلمی است. امروزه این بحث باید به طور جدی تر در میان علماء و فقهاء حل شود. از طرفی برخی از ایشان ذبح با استیل را جایز نمی دانند، و از طرفی دیگر در اکثر کشتارگاهها که با دستگاههای پیشرفته و اتوماتیک عمل ذبح را انجام می شود، به هیچ وجه از آهن سنتی برای ذبح استفاده نمی گردد، از این رو برای طهارت و حلیت چنین ذیجه هایی باید به قواعدی نظیر سوق المسلمين متولی شد!

اما با این حال آیا می توان از روایاتی که حدید را در آلت ذبح معتبر دانسته بودند معنایی غیر از آهن را برداشت نمود؟ اگر معنایی غیر از آهن مثلاً شیء تیز و برنده را از حدید برداشت کردیم، به تمامی

مشکلات مطرح شده جوابی مناسب خواهیم داشت. و مشکل ذبح با استیل را حل خواهیم نمود. ولی آیا در بین علمای چنین قولی مطرح شده است؟

### نوآوری آیت الله هاشمی شاهروندی

آیت الله هاشمی شاهروندی درباره ذبح با دستگاه عموماً و به ویژه موضوع شناسی عنوان حديث تحقیقی انجام داده و نتایج جالب توجهی استخراج نموده است. وی نظریه خود را اولین بار در مقاله‌ای از شماره‌های آغازین مجله فقه اهل بیت علیهم السلام منتشر نمود. این فقیه فقید برداشتی کاملاً نو از همان روایات پیشین ارائه کرده است. (هاشمی شاهروندی، ذبح با دستگاه‌های پیشرفته و جدید، ص ۴۳ - ۱۱۰)

وی مدعی است که منظور از واژه حديث در روایات آهن و فلز خاصی نیست؛ بلکه مراد چیز برنده و حدّت‌داری است که بتوان عمل ذبح را به راحتی انجام داد، به طوری که سربریدن حیوان بدون کمترین آزار از طرف کنندی آلت انجام شود. مهمترین دلیل این برداشت قرینه تقابل است. یعنی در روایات آنچه در مقابل حديث به عنوان آلت منمنعه واقع شده اشیایی از قبیل مس، طلا و نقره نیست، بلکه اشیایی چون سنگ و چوب و نی به عنوان مقابله حديث معروفی شده‌اند. پس اگر منظور از حديث آهن بود، لازم بود که اشیاء مناسب با آهن منع شود نه اشیایی که برنده‌گی آن‌ها مثل حديث و شیء تیز نیست؛ چرا که با تفسیر و تحلیل قبلی اگر چاقوی مثلاً مسی حتی بسیار تیز و برنده در دسترس باشد، باز نمی‌سزد که با آن سر برید، اما اگر آهنه و لو کند پیدا شود، لازم است که با آن آهن سر حیوان ذبح شود!!

پس نه تنها با استیلی که حالت زنگ زدن را داراست، حتی با استیل که کروم آن‌ها بیش از ۱۱ درصد است هم می‌شود عمل ذبح را انجام داد، البته به شرطی که حالت تیزی مناسب با بریدن سر حیوان را داشته باشد. به عبارت دیگر واژه حديث در روایات به عنوان وصف به کار رفته است نه ذات.

وی ادله موضوعیت آهن را ناتوان از اثبات آن معروفی می‌کند. و می‌فرماید:

این روایات در اثبات اعتبار آهن بودن آلت ذبح، ناتوانست؛ زیرا اول، آنچه در روایات آمده عنوان «حدید» است و حدید به معنای فلز سختی است که غالباً از جنس آهن است و برای بریدن، تیز و برنده گردیده است. بنابراین مقصود از «حدید» چاقو، کارد، شمشیر و هر چیز تیزی است که برای ذبح و بریدن آماده شده‌اند، نه جنس آهن، در برایر سایر فلزات مثل مس و روی و ... . پس سخن امام (ع) که می‌فرماید: «ذبح جز با حدید صحیح نیست» بدین معناست که ذبح جز با کارد، چاقو و هر وسیله‌ای که برای این کار مهیا شده، درست نیست. در مقابل، نی، چوب، سنگ و ... قرار دارد که اینها برای این کار آماده نشده‌اند و در جامعه از آنها استفاده نمی‌شود، در نتیجه نباید از این گون وسائل برای ذبح استفاده نمود.

مقصود این نیست که ابزار ذبح، تنها باید از جنس آهن باشد. از این روی اگر با عصای آهنه یا ابزار آهنه دیگر که وسیله برش و برنده‌گی نباشد، حیوان ذبح گردد، حلال نیست، در صورتی که عنوان حديث بر عصای آهنه صدق می‌کند. گواه این مطلب، مقابله‌ای است که در برخی از روایات صورت پذیرفته. در

این روایات، در مقابل «حدید» سنگ، چوب، نی و... آمده است، در حالی که اگر نظر به ویژگی جنس بود، باید در برابر «حدید» مس، روی، طلا و مانند آنها قرار داده می شد، که چنین چیزی نه در متن روایات آمده و نه در پرسش روایات. (هاشمی شاهروdi، ذبح با دستگاههای پیشرفت و جدید، ص ۸۶)

### موبداتی به برداشت مذبور

در مورد استفاده کردن از آلت تیز و برنده روایتی از پیامبر اکرم الله علیه و آله نقل شده که در آن روایت حضرت مطلب را با فعل «فَلِيُحَدّ» که مشتق از حدید است بیان نموده‌اند و علمایی که آن روایات را را مطرح نموده‌اند حکم استحبابی شیء تیز را از آن روایات برداشت کردند. روایت چنین است:

و روینا عن جعفر بن محمد عن آبائه ان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم قال: من ذبح ذبیحه فلیحذ شفرته و لیرح ذبیحته. (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۷۴)

صاحب دعائم الاسلام از امام صادق علیه السلام نقل می کند آن حضرت از پدران بزرگوار خود آن‌ها هم از رسول الله نقل می کنند حضرت فرمود: هر کسی حیوانی را ذبح می کند، بر او لازم است چاقویش را تیز کند و حیوان را به اذیت نیاندازد.

مرحوم فاضل هندی صاحب کتاب کشف اللثام این روایت را عنوان فرموده و آن را به معنای استحبابی حمل کرده است:

و یستحب ان یکون السکینه حاده فعن النبی صلی الله علیه و آله: من ذبح فلیحذ شفرته ... . (کشف اللثام، ج ۲، ص ۲۵۸)

این مطلب جای انکار ندارد که حدید در لغت به معنی فلز معروف به کار رفته است، ولی نمی‌توان آن را معنای منحصر حدید تلقی نمود؛ چراکه معنای شیء تیز نیز جزو معنای حدید ذکر شده است. مثلاً فیروزآبادی در قاموس المحيط چنین آورده است:

حد السکین و احدها و حددها: مسحها بحجر مبرد، فحدث تحد حده و احتدث فھی حدید. (قاموس المحيط، ج ۱، ص ۲۸۶)

### نتیجه‌گیری

فقها بر اساس ادلایی که عمدتاً روایات است، حدید بودن را جزو شرایط حلیت ذبیحه معرفی نموده‌اند. از آن جایی که در عصور پیشین حدید بر عنوان عرفی آهن اطلاق می شده، کسی درباره این عنوان بحث موضوعی ارائه نکرده است. اما با گذشت زمان و تغیراتی که در سیک زندگی و وسائل آن ایجاد شده، تبعاً برخی مطالب نوپیدایی پرسشی اساسی فراروی فقه قرار داده است. از بین فقهای معاصر فقیه فقید آیت الله هاشمی شاهروdi ضمن نفی موضوعیت آهن در حلیت ذبیحه، حدید را به معنای شیء تیز و برنده دانسته و قرینه تقابل را به عنوان مهمترین دلیل این نفی قلمداد نموده است.

به نظر می‌رسد این برداشت می‌تواند بسیاری از شباهات پیرامون فقه و مسائل نویلای آن را پاسخ دهد و پویایی فقه به ویژه فقه شیعه را به خوبی نشان دهد.

### فهرست منابع و مأخذ

- ابن ادریس، السرایر: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۰ هجری قمری.
- ابن فهد حلی، المنهب البارع: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ هجری قمری.
- بربام دویترام و جورج بنهل، فرهنگ واژگان خصوصی جهان علم: برگردان: اسماعیل حدادیان مقدم و احسان ابداری طقبه، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۱ هجری شمسی.
- حر عاملی، وسائل الشیعه؛ موسسه آل بیت، قم، ۱۴۰۹ هجری قمری.
- دهقان سیمکانی، مهدی، علیشاھی قلعه جوچی، ابوالفضل و بهمن پوری، عبدالله، تناسب میان حکم و موضوع با رویکردی به کارکرد ابزاری عرف، مجله جستارهای فقهی و اصولی، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۶ صص ۸۱-۱۰۷.
- رشیدی، سید حسین، جنس و سیله ذیع، مجله جستارهای فقهی و اصولی، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۷، صص ۷۱-۸۹.
- سید خوانساری، جامع المدارک: مکتبه الصدقوق، تهران ۱۳۵۵ هجری شمسی.
- شهید اول، الدروس الشرعیه: موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۲ هجری قمری.
- \_\_\_\_\_، اللمعه الدهشیه: دار الفکر، قم، ۱۴۱۱ هجری قمری.
- شهید ثانی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدهشیه: انتشارات داوری، قم، ۱۴۱۰ هجری قمری.
- مسالک الافهام: موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳ هجری قمری.
- شیخ طوسی، النهایہ فی مجرد الفقه و الفتوی: دار الاندلس، بیروت، بی تا.
- تهذیب الاحکام: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ هجری شمسی.
- طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل: طبع حجریه، موسسه آل بیت، قم، ۱۴۰۴ هجری قمری.
- علامه حلی، ارشاد الاذهان الی احکام ایمان: جامعه المدرسین، قم، ۱۴۱۰ هجری قمری.
- شرایع الاسلام فی مسائل الحال و الحرام: انتشارات استقلال، تهران، ۱۴۰۹ هجری قمری.
- قواعد الاحکام: موسسه النشر الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳ هجری قمری.
- مختلف الشیعه: موسسه النشر الاسلامیه، قم، ۱۴۱۲ هجری قمری.
- فاضل آبی، کشف الرموز: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۸ هجری قمری.
- فاضل هندی، کشف اللثام: مکتبه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۵ هجری قمری.
- فخر المحققین ابن العلامه، ایضاح الفوائد: طبع بامر آیت الله سید محمود شاهروodi، قم، ۱۳۷۸ هجری قمری.
- فیروزآبادی، قاموس المحيط: ۴ جلدی، بی نا، بی جا، بی تا.
- قاضی بن براج، المنهب: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۶ هجری قمری.
- محقق حلی، المختصر النافع فی فقه الامامیه: موسسه البعله، تهران، ۱۴۱۰ هجری قمری.

- محقق نراقی، مستند الشیعه: موسسه آل بیت، قم، ۱۴۱۵ هجری قمری.
- مغنية، محمد جواد، فقه الامام الصادق، قم، انصاریان، ۱۴۲۱.
- مقدس اردبیلی، مجمع الفتاوى و البرهان: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ هجری قمری.
- هاشمی شاهروodi، سید محمود، ذبح با دستگاه‌های پیشرفته و جدید، فقه اهل بیت، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، صص ۴۳ - ۱۱۰.